

نگرشی بر ماهیت تغنی در تلاوت قرآن*

مجید صادقی مزیدی** و حمید فرحناک بوشهری***

چکیده

از جمله مؤلفه‌های مهم در اثرگذاری و انتقال مفاهیم قرآن، بیان زیبا و صوت و لحن واژگان قرآن می‌باشد. در این میان تغنی یکی از عناصر مهم تلاوت محسوب می‌شود که سرچشمه اصلی آن را باید در نخستین نغمه‌پردازی‌های آغاز اسلام جست‌وجو کرد. با مراجعه به سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ در می‌یابیم که با نزول قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ خود بر قرآنت قرآن با صدای زیبا و آهنگ خوش اتمام داشتند و امامان معصومین هم‌چون امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و امام کاظم (علیه السلام) نیز در تلاوت قرآن از صدای زیبا و تلاوت دلنشین بهره می‌بردند. در عصر حاضر نیز تلاوت تنغیمی به عنوان یک تلاوت پذیرفته شده در بین قاریان جایگاه خاصی پیدا کرد. در این نوع تلاوت علاوه بر استفاده از نغمه‌های مختلف موسیقی و لحن‌ها، به اداء حروف و واژگان، وقف و ابتدا و همچنین شرایط و اصول مختلف تلاوت توجه شد. فقها درباره حلال یا حرام بودن تغنی دیدگاه‌های مختلفی دارند؛ بسیاری تغنی را به معنای خواندن قرآن با صدای دلنشین و همراه با صوت و لحن ترجمه کرده‌اند که با مبانی و ارزش‌های قرآن متناسب است. موضوعی که ابن عباس، ابن مسعود و برخی دیگر از صحابه و تابعان آن را پذیرفته‌اند و این موضوع در دوران معاصر نیز به عنوان یک امر مسلم نزد قاریان نیز پذیرفته شده است. این جستار بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی علاوه بر رویکرد تاریخی به تغنی، اصل ماهیت تغنی، جایگاه و اهمیت و همچنین مشروعیت آن را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: قرآن، تلاوت، تغنی، مشروعیت تلاوت تنغیمی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۸/۳۰.

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - نویسنده مسئول (majid.sm39@yahoo.com).

*** کارشناس ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (hamid.farahnaky1360@gmail.com).

مقدمه

یکی از درخشان‌ترین وجوه اعجاز بیانی قرآن، ویژگی آهنگ‌پذیری این کتاب و حیانی است. سفارش‌های فراوان به تلاوت زیبای قرآن و تغنی آن از سوی رهبران الهی به لحاظ توجه به این ویژگی اعجازی، گواه این مطلب است. از جمله اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِاللَّحْنِ الْعَرَبِيِّ وَأَصْوَاتِهَا...» قرآن را با آهنگ‌ها و اصوات عرب تلاوت کنید و از آهنگ‌های اهل فسق و اهل گناهان کبیره بپرهیزید (کلینی رازی، کافی، ۱۳۹۰: ۴/۵۰۲)؛ و یا در حدیثی دیگر این چنین آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَعَنَّ الْقُرْآنَ»؛ «کسی که قرآن را با غنا (الحان و مقامات مناسب قرآنی) نخواند از ما نیست» (همان، ۵۰۴).

در این دو حدیث شریف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با تأکید بر قرائت قرآن با لحن عرب و تغنی در آن، ارزش تلاوت قرآن را به عنوان یک عمل استحبایی مورد سفارش قرار می‌دهد. این تأکید و سفارش، موسیقی خاصی را به وجود آورد که در تاریخ قبل از آن بی سابقه بود. موسیقی که در کنار واژه‌های زیبای قرآن، موثرترین و گویاترین وسیله جهت ظهور و انعکاس عواطف و احساسات درونی انسان‌ها بود (عزّتی، نغمه‌های آسمانی، ۱۳۸۴: ۵). تأثیر صوت و لحن زیبا به عنوان ابزاری که مخاطب را متوجه معنا می‌کند در طول تاریخ مکرر به کار رفته است، چرا که وقتی صدا زیبا می‌شود تأثیرش بر روح بیشتر و توانایی‌اش برای پذیرایی از دل‌ها بالاتر است (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۵۷). پزشکان نیز باور دارند صدای زیبا، بدن و جریان رگ‌ها را به حرکت وادار می‌دارد؛ در نتیجه خون پاکیزه می‌شود (همان، ۱۶۴).

شروع این تأثیر معمولاً بر احساسات فرد رخ می‌دهد که در واقع یک تأثیر هنری است؛ اما اگر خوب هدایت و مدیریت شود می‌تواند به یک تأثیر معرفتی و درونی منجر شود. حضرت داوود، در هنگام خواندن مزامیر خود، الحان زیبایی بر وزن‌های مشخصی اعمال می‌کرد. نصرانی‌ها نیز در عبادت‌گاه و مسلمین در مساجد خود و در قرائت نماز و کتاب‌های آسمانی الحانی رقیق به کار می‌بردند، تا دل‌ها رقیق و عواطف لطیف شود و قلب‌ها خاضع و نفوس خاشع و مطیع دستورات خداوند شوند و از گناهان خود بازگشت کنند و به سوی خدا روی آورند (احمد آبادی، طنین اعجاز، ۱۳۷۸: ۷۲).

با توجه به موضوعات متنوع و تعبیرات گوناگون مطرح شده در قرآن، انتقال مفاهیم بدون توجه به محتوا و بهره‌گیری مناسب زیر و بم صدا و تکیه‌های صوتی لازم، موجب یکنواختی در حالت بیانی صدا و به تبع آن کاهش تأثیر لازم بر مخاطب می‌گردد.

عدم آگاهی از ماهیت تغنی در تلاوت قرآن و پیشینه آن بدون در نظر گرفتن سیره پیامبرگرمی اسلام ﷺ و امامان معصومین و صحابه بزرگوار ایشان و نیز غلبه تفکرات و برداشت‌های نادرست برخی از افراد و فرقه‌ها از تلاوت تنغیمی موجب مخالفت با ماهیت این گونه از تلاوت شده است. لذا شایسته است که از حریم این هنر اصیل اسلامی و سرمایه معنوی جهان اسلام صیانت شود و مبانی اساسی و ماهیت تغنی به عنوان یکی از موضوعات مهم در قرائت مورد توجه قرار گیرد.

جستار حاضر تلاشی در جهت پاسخ گویی به برخی شبهات وارد شده و عقائد نادرست با رویکرد تاریخی می‌باشد که بر مشروعیت داشتن تلاوت قرآن با صوت و لحن در تلاوت تنغیمی صورت گرفته است و به بیان دلیل و مشروعیت آن می‌پردازد. بنابراین توجه به ماهیت تغنی و دلایل توجه به لحن و نوع اداء در زیباسازی صوت از اهمیت زیادی برخوردار است. این نوشتار به دنبال آن است تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد: ۱. ماهیت تغنی در قرآن چیست و مشروعیت تلاوت قرآن با صوت و لحن و به‌کارگیری الحان عربی چگونه مشخص می‌گردد؟ ۲. رویکرد تاریخی تغنی در قرآن و به‌کارگیری الحان عربی چگونه می‌باشد؟

پیشینه

با تأمل و مطالعه دقیق در کتاب‌ها و منابع موجود از جمله «وسایل الشیعه»، «اصول کافی» و ... چنین به نظر می‌رسد، بحث در حوزه تغنی در قرآن و مشروعیت تلاوت قرآن با صوت و لحن و به‌کارگیری الحان عربی به صورت پراکنده صورت گرفته اما لازم است، بررسی دقیق و منسجم در این موضوع در ابعاد ماهیتی آن انجام پذیرد. کتاب «فقه قرائت: فقه ادا و فقه موسیقی» که توسط محمد صادق یوسفی مقدم توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است نیز به مباحث مربوط به فقه قرائت (فقه ادا، فقه آهنگ و موسیقی ادا) با ساختار نو می‌پردازد و مطالب مربوط به مخارج و صفات حروف را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در حوزه مقالات نیز برخی پژوهش‌ها صورت گرفته است که هرکدام به موضوعی خاص پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی در جایگاه ارزشی تجوید و سهم آن در خوش‌خوانی و تغنی قرآن کریم» انجام شده است. رویکرد نویسندگان در این مقاله بررسی جایگاه تجوید و مؤلفه‌های آن می‌باشد و بیشتر به بحث تجوید و شاخصه‌های آن توجه داشته‌اند. مقاله دیگری با عنوان «بررسی فقهی روایات تغنی در قرائت قرآن» در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است که

نویسنده در آن، فقط به جنبه‌های فقهی غناء و تغنی توجه داشته و موضوع را از آن دیدگاه مورد بررسی قرار داده است. اما آنچه در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود بررسی ماهیت تغنی است که علاوه بر بررسی ماهیت، به جنبه‌های تاریخی آن نیز می‌پردازد. با بررسی‌های انجام گرفته تقریباً موضوعی به طور مستقل در این زمینه صورت نگرفته است.

تاریخچه تَغْنَى در تلاوت قرآن

مطالعه در روش و سیره رسول اکرم ﷺ نشان می‌دهد ایشان به این موضوع اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و خود آن حضرت با صدای نیکو قرآن را تلاوت می‌کردند. حدیثی از ایشان نقل شده است که فرموده‌اند: «حَسَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»؛ «(با صدای خوش قرآن را زینت بخشید) به راستی که صوت زیبا بر زیبایی قرآن می‌افزاید» (حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، ۱۳۸۵: ۶/۲۱۲) و یا در جای دیگر فرموده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَعَنَّ الْقُرْآنَ»؛ «کسی که قرآن را با غنا نکند از ما نیست» (کلینی رازی، الکافی، ۱۳۹۰: ۴/۵۰۲). امام سجاد، امام باقر و امام کاظم (علیهم‌السلام) نیز از صدای زیبا و تلاوت آهنگین برخوردار بودند؛ به گونه‌ای که در قرائت امام سجاد (علیه‌السلام) بسیاری از ره‌گذران بر در خانه آن حضرت می‌خکوب شده، به استماع صدای زیبای آن حضرت می‌پرداختند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۸۵: ۶/۲۱۱ و ۲۱۲).

به دنبال آن عبدالله بن ابی بکره را می‌توان اولین شخصی دانست که به قرائت و صوت و لحن پرداخت و عبیدالله بن عمر نیز سبک و روش جدّ خود را ادامه داد و این شیوه همچنان استمرار یافت تا اینکه محمد بن سعد از مقامات و الحان در قرائت خود استفاده کرد (ابن قتیبه، المعارف، ۱۱۱۹: ۵۳۳). سپس قرائت با صوت و لحن در زمان عَلم الدین سخاوی به اوج خود رسید؛ به گونه‌ای که وی در کتاب خود از برخی بدعت‌های قاریان قرآن هم‌چون ترعید، ترقیص، تطریب و تحریف یاد کرده و انتقاد می‌کند (سخاوی، جمال القراء و کمال الأقرء، ۱۴۰۸: ۵۲۸).

شاید بتوان گفت غنا در عربستان در یک مسیر معمولی رشد و توسعه یافت و این امر بیشتر در ترتیل نمود پیدا کرد، زیرا غنای عربی در آن زمان به جایگاه امروزی دست نیافته بود و کسانی که در صدر اسلام به تَغْنَى در قرآن کریم می‌پرداختند، بهره‌چندانی از موسیقی نداشتند و در خواندن خود بیشتر از روش‌هایی همچون کشش صوت، ترقیق آن، بالا بردن طبقه صوتی و... استفاده می‌کردند (میرزایی، الزمن الجمیل، ۱۳۸۸: ۳۱).

تلاوت به معنای امروزی پس از طی نمودن تغییر و تحولات گوناگون به مرحله رشد و توسعه و تکامل خود رسید هر چند پیش از این تا حدود دو قرن گذشته به این شیوه و سبک معاصر وجود نداشت. همان گونه که ذکر شد اصل و ریشه تغنی را باید در آغاز اسلام جست و جو نمود بنابراین تغنی و نغمه پردازی با انجام واجبات مثل نمازهای یومیه و قرائت آهنگین قرآن کریم شروع شد به گونه‌ای که علاقه مردم به قرائت قرآن و تغنی آن، حتی موجب در نظر گرفتن مکان مخصوص تلاوت در حین ساخت مساجد گردید. بدین ترتیب که جای مرتفعی در برابر منبر برای تلاوت قاریان خوش صدا اختصاص داده می‌شد (یوسف ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک المصر و القاهرة، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

پس از اینکه مقام‌های عربی رشد و توسعه یافتند، قاریان قرآن نیز به تغنی در قرآن اهتمام ویژه ورزیدند و با تسلط بر فنون قرائت و تلاوت و پرداختن به انواع نغمه‌ها، بر اهمیت توجه به قرآن در حوزه تلاوت افزودند. امروزه نیز مسلم است لحن تلاوت یعنی همان آهنگ و سُرایشی که در قرائت قرآن از آن استفاده شده، متأثر از موسیقی عربی است که قاریان قرآن با رعایت اصول شرعی و عرفی تلاوت از آن به عنوان بستری جهت ابداع «تلاوت تنغیمی» استفاده کردند. بنابراین لحن در تلاوت قرآن کیفیتی است مطلوب که از استفاده صحیح و مطلوب مقامات و نغمات عربی برای ارایه آیات قرآن کریم بر اساس اصول و مبانی خاصی حاصل می‌آید (شاه میوه اصفهانی، هنر تلاوت، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

ماهیت تغنی از دیدگاه اندیشمندان

با رشد و پیشرفت علوم قرآنی به ویژه در حوزه تلاوت قرآن در بین مسلمانان و بزرگان ملل اسلامی، نوعی موسیقی را شاهد بودیم که با وجود اینکه دارای مبنای موسیقی عربی و اصول برگرفته از آنها بود، اما دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بودند که آن را از موسیقی عربی متفاوت می‌کرد، این نوع تلاوت را موسیقی تلاوت یا تغنی می‌نامند که برگرفته از اصل و ریشه موسیقی عربی می‌باشد و علاوه بر بهره‌گیری از تجربه‌های قاریان مشهور و قدیمی، از حوزه‌های مختلفی مانند تجوید، وقف و ابتداء، توجه به معناشناختی واژگان و همچنین دقت نظر در موضوعات شرعی و دینی تلاوت نیز اثر پذیرفت.

علاوه بر آن؛ این شیوه از قرائت قرآن «تلاوت تنغیمی» سبب شد تا بسیاری از غیر مسلمانان از صدای زیبای قاریان برجسته اثر بپذیرند و برخی از آنها با شنیدن صوت زیبای

قاریان، به اسلام علاقه‌مند شدند و دین اسلام را برگزیدند به گونه‌ای که اقبال مردم در استماع تلاوت تنغیمی، مخصوصاً در کشور مصر، از مهم‌ترین دلایل و نشانه‌های تأثیر گذاری این روش در نفوس مومنان بوده است.

در این میان بزرگان و محققان زیادی درباره تنغی، اهمیت و جایگاه آن سخن گفته اند؛ شیخ علی حجاج سویسی معتقد است قرائت با آهنگ (نغمه) مانند توضیح دادن است. قاریی که با نغمه درست تلاوت کند، و این هنر را خوب بشناسد شنونده را به قرآن نزدیک‌تر می‌کند (همان، ۱۵۴). شیخ احمد الرزیقی نیز درباره تنغی و اثرگذاری آن در تلاوت می‌گوید قاری چیره دست در هماهنگ ساختن تکنیک با درک خویش از آیات می‌تواند معنای متن را به کسی که عربی نمی‌داند منتقل کند.

دکتر «کریستینا نلسون» محقق آمریکایی نیز که رساله دکتری خود را با موضوع «تلاوت قرآن در مصر» به رشته تحریر در آورده است اعتقاد دارد فهم قرآن توسط مردم در رویارویی با نصب مکتوب و نصّ مسموع، متفاوت است، و قابلیت درک فهم آیات از طریق سماع، بیش از فهم آن از طریق قرائت عادی متن است. این موضوع مسأله مهمی است؛ چرا که افراد زیادی هستند که با آیات قرآن، تنها از طریق شنیدن آن‌ها، آن هم به صورت تنغیمی آشنایی دارند (میرزایی، الزمن الجمیل، ۱۳۸۸: ۲۴۲).

دکتر «یوسف شوقی» استاد دانشکده علوم و ناظر قانون قیاس سُلّم موسیقی در آکادمی علمی و تکنولوژی مصر درباره ماهیت تنغی معتقد است موسیقی عربی در حمایت تلاوت قرآن است و این امر حالتی است مانند حفظ زبان عربی به وسیله قرآن. ایشان در بخشی از تحلیل خود در مورد صدای شیخ رفعت می‌گوید شیخ رفعت بر موسیقی دانان دوران خودش اثر گذاشته است و آهنگ سازان در بسیاری از مقامات از جمله مقام حجاز و رست از او بهره جسته‌اند.

کمال التّجیمی نیز در این زمینه می‌گوید: تنغی، همان غنا و موسیقی نیست، هرچند هر دو، دارای یک اصل واحد از موسیقی عربی هستند، و اصولاً قاری متخصص و فهیم، آن است که در قرآن تنغی کند؛ در حالی که این امر را همراه با اصول کامل آن، به خوبی به انجام برساند. بنابراین ادای لحنی من کاملاً به سمت معانی آیات و الفاظ متمایل می‌شود و صدایم با ادای لحنی‌ام هماهنگ و تاریکی‌ها از اطراف من محو می‌شوند (ابن جزری، النشر فی قرائات الشعر، ۱۳۴۵: ۲۳۱).

همچنین ایشان معتقدند یکی از نکات مهم و آثار تغنی که قاریان قرآن کریم باید آن را مد نظر داشته باشند سکوت و فروتنی می‌باشد تا با تلاوت تنغیمی بتوانند در آیات قرآن بیاندهند و در این حالت، تفکر در آیات قرآن گسترش پیدا کند؛ بنابراین تغنی و غنا، یک فن و تخصص واحد نیستند بلکه تغنی قرآن در طول یک هزار سال یا بیشتر، مبتنی بر ترنم آزاد یا ارتجال که مقید بر هیچ وزن و ایقاعی نیست، و حتی به طور موثری در تدوین الحان موسیقی مرسوم، در دوران مختلف تأثیرگذار بوده است (أنیس، فی اللهجات العربیه، ۲۰۰۳: ۱۱۵).

از جمله موضوعات مهم دیگری که در حوزه تغنی قرآن کریم باید به آن توجه کرد این است که علاقه مندان به موسیقی عربی، اعتقاد دارند تغنی، موسیقی اصیل عربی را حفظ خواهد کرد؛ زیرا تغنی در قرآن، با روش موروثی خود که همراه با الحان عربی است برای همیشه باقی خواهد ماند. در حالی که موسیقی عربی، همیشه تحت تأثیر مکاتب مختلفی از جمله مکاتب غربی، در معرض تغییر و تحول قرار دارد (میرزایی، الزمن الجمیل، ۱۳۸۸: ۶۶ و ۶۷).

پس تلاوت قرآن کریم با بستر مقامات موسیقی عربی، یکی از مهم‌ترین عوامل در حفظ میراث مقامی موسیقی عربی بوده است. این موضوع، به واسطه ارتباط قاریان و منشدان یا قاریان و موسیقی دانان با یکدیگر بیشتر توجیه می‌شود. برخی از ابداع کنندگان تلاوت حرفه‌ای در مصر، اطلاعات بسیاری از حوزه موسیقی و مخصوصاً موضوع مقامات داشته‌اند، و با رعایت امانت، مقامات عربی را در تلاوت قرآن مورد استفاده قرار داده‌اند، و آن‌ها را طی گذر زمان از تحولات عارض بر موسیقی و تأثیر برخی مکاتب بیگانه حفظ کرده‌اند (همان، ۸۵ و ۸۶).

مشروعیت تلاوت تنغیمی

تغنی مصدر باب تفعّل از ریشه غنی می‌باشد که معنای آن آواز خواندن و سرودن شعر می‌باشد. این واژه به معنای نیکو گردانیدن صدا نیز آمده است (فیروزآبادی، القاموس المحیط، ۱۴۱۷: ۱۷۲۹).

۱۹۵

این اصطلاح که غالباً به صورت «تغنی به قرآن» در متون مختلف دیده می‌شود، ریشه در دو روایت دارد که در آن‌ها پیامبر اکرم ﷺ در تلاوت قرآن، به تغنی توصیه کرده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۱۹۱). «تغنین» نیز نام دیگری است که به این فن داده شده و به معنای سخن را تو دماغی گردانیدن ترجمه کرده‌اند. علّت آن هم تو دماغی (خیشومی) یا غنّه‌ای شدن صوت است. علّت تسمیه آن به «خفض» نیز کاهش یا ربایش بخش مهمی از شدت صوت است.

علما و فقها از دیرباز در تفسیر و مراد تغنی، دیدگاه‌های مختلفی بیان کرده‌اند، که این اختلاف نظر به تفاوت معنایی واژه غنا برمی‌گردد. احادیث مختلفی از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که به تلاوت نیکو و زیبای قرآن دعوت نموده است. علاوه بر آن؛ روایات مختلف از امامان معصوم و همچنین بررسی مطالعات تاریخی در این باره حکایت از توجه آن بزرگواران و پیشینیان به این موضوع داشته است.

بسیاری تغنی را از ریشه غناء و به معنای خواندن قرآن با صدای زیبا همراه الحان و انغام ولی سازگار با قداست قرآن تفسیر کرده‌اند (سعید، التغنی بالقرآن، ۱۹۷۰: ۳۶). ابن عباس، ابن مسعود و برخی از صحابه و تابعان این دیدگاه را پذیرفته و تأیید کرده‌اند. طبری، ابن عربی، ابن قدامه، شافعی، ابوحنیفه و جمع دیگری از اندیشمندان نیز این دیدگاه را برگزیده‌اند. علاوه بر آن گروهی از دانشمندان امامیه از جمله طبرسی سبزواری، آخوند خراسانی، شریعت اصفهانی، فیض کاشانی، نراقی، ماجد بحرانی و گروهی از معاصران، تغنی را به معنای یاد شده دانسته و با استناد به روایات نقل شده، تلاوت آهنگین قرآن را جایز دانسته‌اند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۶: ۴۶).

یکی از مهم‌ترین دلایلی که سبب گردیده تا تغنی به عنوان یک اصل پذیرفته شده مورد تأیید اهل شیعیه و اهل تسنن قرار گیرد توجه به سیره و روش پیامبر گرامی می‌باشد. روایتی درباره تغنی از پیامبر گرامی نقل شده که فرمودند: «ما أذن الله لشيء ما أذن لنبي حسن الصوت يتغنى بالقرآن يجهر به» (النراقی، مستند الشیعه، ۱۴۱۵: ۱۴۷) خداوند به چیزی اذن نداده است؛ آن‌گونه که به صدای بلند پیامبر خوش صدایش که قرآن را با تغنی می‌خواند اذن داده است، دلیل یا مؤید دیدگاه خود دانسته‌اند. روایات دیگری نیز از پیامبر و امامان معصوم در تأیید ماهیت و اصل تغنی آمده است. از جمله اینکه پیامبر مردم را به صدای نیکو سفارش کرده و فرمودند: «لكل شيء حلية وحلية القرآن الصوت الحسن» برای هر چیزی زیور است و زیور قرآن صدای نیکوست. یا روایتی از ایشان آمده که قرآن را با لحن و رعایت اداء حروف عربی بخوانند و فرمودند: «اقرأ القرآن بألحان العرب وأصواتها» قرآن را با آواز و نوای عربی بخوانید. امام صادق علیه السلام نیز درباره صوت زیبا از آیه قرآن الهام گرفته و در توضیح واژه ترتیل در آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا﴾ آن را به تلاوت آرام و صدای نیکو تفسیر کرده است. هم‌چنین روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که مردم را به ترجیع در قرآن سفارش کرده‌اند و فرمودند: قرآن را با آواز بخوانید، زیرا خداوند دوست دارد که قرآن با صدای خوش و همراه آواز خوانده شود (الکلبینی، الکافی، ۱۳۷۵: ۶۱۵-۶۱۶).

امروزه نیز پس از گذشت یک قرن و ارائه دیدگاه و اختلاف نظرهای مختلف، تلاوت تنغیمی به عنوان یک تلاوت پذیرفته شده در بین قاریان جایگاه خاصی پیدا کرده است و متخصصان تلاوت به صورت حرفه‌ای در کشورهای مختلف به این نوع تلاوت اهتمام می‌ورزند. بنابراین تلاوت تنغیمی در حقیقت همان تلاوتی است که امروزه به اشتباه، با نام تلاوت تحقیق شناخته می‌شود. در این نوع تلاوت، علاوه بر استفاده از الحان و نغمات موسیقی به عنوان ابزار و بستر القای مفاهیم، حق حروف و کلمات، به طور کامل ادا شده و قواعد تجوید، وقف و ابتدا و سایر ملزومات تلاوت، مورد استفاده قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه این شیوه، توسط مصریان ابداع شد، به آن تلاوت مصریه نیز می‌گویند (قاسم احمد، نگاهی به زندگانی قاریان مشهور قرآن کریم، ۱۳۷۴: ۱۳۵).

از آنجا دین اسلام دین فطرت است، تا زمانی که موافق با فطرت باشد و از مسیر خود خارج نشود مخالفت نمی‌ورزد و آن را محکوم نمی‌کند، و آن گاه که از همراهی فطرت خارج گشت و در طریق هوا و هوس قرار گرفت، به مقتضای حکمت و پاسداری از حریم انسانیت، بر آن خط بطلان کشیده و آن را ممنوع اعلام می‌کند (احمد آبادی، طنین اعجاز، ۱۳۷۸: ۷۱). بنابراین موسیقی قرآن ما از موسیقی‌های دیگر متفاوت است؛ استاد مصطفی اسماعیل در این زمینه می‌گوید حتی از مقامات موسیقی هم فراتر رفته و این مطلب ثابت می‌کند که قرآن محدود به موسیقی نیست و بسیار فراتر از آن می‌باشد و اصولاً در خور قرآن نیست که در موسیقی بگنجد (همان، ۲۳). پس آموختن علم موسیقی و به‌کارگیری آن با توجه به مفاهیم قرآن عظیم در تلاوت قرآن نه تنها هیچ گونه منافاتی با قرآن ندارد بلکه بسیار پسندیده و مطلوب می‌باشد.

اکثر دانشمندان بزرگ اسلامی با علم موسیقی و فن به کارگیری آن آشنایی کامل داشتند و شاید برخی از آن‌ها از نوابغ این فن در عصر خود به شمار می‌رفتند، چنان که نوشته‌اند: «مولانا جلال الدین بلخی، در فن شعر وارد بود و در علم ادوار و موسیقی کامل و نادر...» و در احوال ابو نصر فارابی گفته‌اند: «او در موسیقی ید طولایی داشت، به طوری که در مهارت و استادیش داستان‌های عجیبی نقل کرده‌اند؛ از جمله آن که گویند زمانی برای اینکه به دست ماموران سلطان نیفتد، شتری کرایه کرد و زنگ‌های گردن شتر را طوری بست که شتر از شنیدن آهنگ آن زنگ‌ها به وجد آمد و یکسره صدها کیلومتر را پیمود. و نیز گویند: فارابی به طور ناشناس در بزم سیف الدوله وارد شد و از سازندگان و نوازندگان عیب‌جویی کرد. سیف الدوله از وی پرسید که مگر از موسیقی اطلاعی داری؟ فارابی ساز مشهور خود را از انبان در آورد و آن را سوار کرد و

قسمتی نواخت که همه به خنده درآمدند. سپس آن ساز را پیاده کرد و طور دیگر سوار کرد که همه گریستند. آن گاه به شکل سوم آن را ترکیب کرد و نوای تازه‌ای نواخت که همه حتی درباریان به خواب رفتند و فارابی مجلس را رها کرد و رفت (همان، ۷۳). پس موسیقی پدیده‌ای است که هم می‌تواند به عنوان وسیله‌ای مناسب در خدمت بشر قرار گیرد و هم می‌تواند به عنوان حربه‌ای مخرب موجب فساد و طغیان گردد.

مقام معظم رهبری نیز در این باره معتقد است آن چیزی که در اسلام حرام است، غنا است، نه موسیقی! موسیقی هر آهنگ و صدایی است که از حنجره یا وسیله‌ای، به یک شکل حساب شده بیرون می‌آید، اما آن چیزی که حرام است نوع خاصی از موسیقی است که غنا باشد (همان، ۷۳ و ۷۴). بنابراین مسأله تحریم غنا و استحباب تحسین صوت در قرائت قرآن دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشد؛ و آموختن هنر قرائت با توجه به برخی از روایات و جوب کفائی دارد (یعنی لازم نیست همه مسلمانان هنر قرائت را فرا بگیرند) یا حداقل مستحب مؤکد می‌باشد. (یعنی مستحبی است که انجام دادنش بهتر است و عمل به آن، تأکید شده است). محدثین بزرگوار ما، در توجیه بعضی روایات فرموده‌اند: قرآن را با صوت زیبا تا آن حدی که غنا نباشد، باید قرائت کرد.

ملا محسن فیض نیز درباره غنا و شرایط مشروعیت آن در کتاب الوافی در باب کسب المغنیة و شرائها می‌گوید: غنا دو وجه دارد: غنای حلال و غنای حرام. غنای حرام آن است که مناسب مجالس لهو و لعب باشد و اشاره لغو و بیهوده، در آن به کار رود و غنای حلال آن است که شرایط غنای حرام را نداشته نباشد بلکه به وسیله آن، انسان به کمال برسد و از ظلمات عالم طبع، به نور عالم ملکوت راه یابد و به خیرات ترغیب شود و به زهد و ادب شود و از معاصی جدا گردد. بنابراین تلاوت تنغیمی با رعایت اصول و شرایط آن به عنوان یک اصل در موضوع تلاوت نزد بزرگان صوت و لحن پذیرفته شده است و مشروعیت آن مورد تأیید و توجه قاریان و اهل فن قرار گرفته است.

۱. ترجع صوتی

مسأله ترجع صوتی و حلال و حرام آن، از موضوعات دیگری است که در این مقوله مورد توجه قرار می‌گیرد. ترجع یعنی: بازگرداندن صدا به حلق یا چرخش صدا در حلق و به اصطلاح تحریر زدن. تلاوت قرآن کریم باید به دور از هرگونه الحان دور از شأن قرآن باشد، قاری باید حداکثر مراقبت را داشته باشد و از موسیقی حرام و باطل و حتی مشکوک هم دوری کند. با توجه به بررسی‌های عمل آمده از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام که در زمینه آداب تلاوت بیان گردیده، شرایط استفاده از مقامات و الحان در قرائت قرآن عبارت‌اند از:

۱. با فصاحت و ادای معتبر نزد علمای تجوید مغایرت نداشته باشد؛
۲. با عظمت، خضوع، خشوع و ادب تلاوت منافات نداشته باشد؛
۳. اصل تحزین در طول تلاوت، مدّ نظر باشد؛
۴. با توجه به معانی آیات، مقامات متناسب با آن را به کار گیرد و از نغمه‌ها متناسب با تحسین صوت در تلاوت استفاده شود.

در روایتی امام محمد باقر علیه السلام امر به ترجع در قرائت قرآن فرموده‌اند: «عَلِيَ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصير قَالَ: قُلْتُ لِأبي جَعْفَرٍ عليه السلام إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ - فَرَفَعْتَ صَوْتِي جَاءَنِي الشَّيْطَانُ فَقَالَ إِنَّمَا تُرَائِي بِهَذَا أَهْلَكَ وَ النَّاسَ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَقْرَأْ قِرَاءَةً مَا بَيْنَ الْقِرَاءَتَيْنِ تُسْمِعُ أَهْلَكَ وَ رَجَعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَجِبُ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَرْجِعُ فِيهِ تَرْجِيعًا»؛ «ابو بصیر گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم هرگاه قرآن را با صدای بلند می‌خوانم شیطان نزد من آید و گوید: تا با این کار به خانواده خودت و مردم خود نمایی (وریا) می‌کنی؟ فرمود: ای ابا محمد با صوت (و آواز) متوسط بخوان که خانواده‌ات بشنوند، و آوازت را در خواندن قرآن در گلو بچرخان زیرا خدای عزوجل آواز خوش را که در گلو چرخانده شود دوست دارد» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۸۵: ۶/ ۲۱۲). و در روایت دیگری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَاكُمْ وَ لُحُونَ أَهْلِ الْفُسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَ قُلُوبٌ مَنْ يَعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ»؛ «قرآن را با آهنگ‌ها و اصوات عرب تلاوت کنید و از آهنگ‌های اهل فسق و اهل گناهان کبیره دوری کنید. مردمانی بعد از من خواهند آمد که قرآن را با ترجع و فریاد می‌خوانند و قرآن از گلوهایشان تجاوز نمی‌کند و دل‌هایشان وارونه است هم‌چنین دل‌های کسانی که از آنان خوششان می‌آید» (کلینی رازی، اصول کافی، ۱۳۹۰: ۴/ ۵۰۲) که این روایت بر نهی از ترجع غنا دلالت می‌کند. در جمله اول با قید «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا...» قرائت قرآنی با الحان غیر عربی را خارج و نهی نموده است. در عبارت «وَ إِيَاكُمْ وَ لُحُونَ أَهْلِ الْفُسْقِ وَ أَهْلِ الْكِبَائِرِ...» (شما را بر حذر می‌دارم از اینکه با لحن اهل فسق و افراد خودپسند بخوانید) نیز قرائت قرآن با الحان عربی را که از افراد بی‌ایمان و اهل معصیت اخذ شده است، نهی فرموده است، و در جمله سوم «... فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَ النَّوْحِ وَ الرَّهْبَانِيَّةِ...» نیز به همان مفهوم عبارت اول اشاره دارد و از قرائت قرآن با روش‌های ادیان دیگر یا آهنگ‌های غیرقرآنی بر حذر داشته است. روایت شریفه در جمله چهارم تا آخر

«... لَا يَجُوزُ تَرَاقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةً وَ قُلُوبٌ مَن يَعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ» صفات قاریانی را که برخلاف دستور جمله اول قرائت می‌کنند و علت اتخاذ چنین قرائت‌هایی را که موجب تیره و تار شدن قلب الهی انسان است، ذکر فرموده است. بنابراین با این شرایط دقیقی که از احادیث و روایات می‌توان دریافت کرد شرایط هنر قرائت را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

الف) قرآن باید به لحن عربی خوانده شود؛

ب) در قرائت قرآن نباید از الحان غیرعربی (عجمی) استفاده کرد و هم‌چنین از روش‌های غیرعربی؛ مانند نوحه‌گری و روش‌های آوازی رهبان‌ها باید خودداری نمود،

ج) از الحان قاریان اهل معصیت باید احتراز نمود،

د) قرآن را با ترجع غنا نباید خواند،

ه) باید از قرآن علاوه بر قرائت ظاهری، استفاده باطنی نمود.

بنابراین ترجع دو گونه است: حلال و حرام. بدیهی است که ترجعی که در قرائت قرآن جایز است و امر به آن شده است، ترجعی است که در لحن عربی وجود دارد. و ترجعی که در الحان عجمی موجود است؛ مانند چهچه‌زدن که در آوازهای فارسی معمول است، در قرائت قرآن جایز نیست و بالطبع به کاربرد آن در قرآن حرام است. لذا با توجه به روایات شریفه، قرائت قرآن با صوت و لحن زیبا و ترجع حلال (هنر قرائت)، ممدوح و مورد رضایت حضرت حق، رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد، به شرطی که با شرائط لازم‌هاش باشد (بالاخص تدبیر در آیات) و از حدودش خارج نگردد، قرائتی که در آن، شرائط لحاظ نگردد (مخصوصاً تدبیر)، مذموم است و آوازی بی‌خاصیت، هرچند خوشایند مستمعین قرار گیرد. زیرا این چنین قرائتی حاصلی به جز حظ و بهره‌شنوایی در بر ندارد. (قرآن لایزید الظالمین الا خساراً) (تهرانی، مبانی موسیقی قرائت قرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۲-۱۷).

دلایل به کارگیری صوت و لحن در تلاوت قرآن

نسبت صوت و لحن با تجوید از موضوعات مهم دیگری است که باید به آن توجه و دقت شود. قرائت آهنگین قرآن، ضابطه‌مند و منطبق بر رعایت احکام شرعی و پرهیز از آلودگی به غنا و همراه با رعایت قواعد تجویدی است و آهنگ نباید برتجوید پیشی گیرد و قرائت را از مرز احکام خارج کند. بلکه قاری باید آهنگ را با قواعد تجوید مهار کند (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۳۲۵). همان‌گونه که می‌دانیم معانی و مضامین بلند قرآن کریم در قالب جملات و الفاظ بیان گردیده و هر لفظ و واژه با توجه به بار معنایی آن در موضع مناسب خود به کار گرفته شده تا بتواند پیام و مقصود خداوند را به بهترین و اثرگذارترین نحو ممکن به مخاطب منتقل کند.

در واقع شفاف سازی معنا و نیروی تأثیرگذار موسیقی دو دلیل برای پذیرش هنر آهنگین و آوایی در قرائت قرآن است (همان، ۲۱۰). علاوه بر آن یکی از علل به کارگیری صوت و لحن مطالعه در روش عملی و سیره پیامبر گرامی و همچنین مطالعات تاریخی و بررسی تاریخ گذشتگان می باشد. اولین و بهترین کسی که قرآن را با صدای خوش می خواند، شخص پیامبر اکرم ﷺ بود. خود پیامبر ﷺ با چنان لحن و صدایی قرآن را می خواند که بسیاری از مردم مجذوب تلاوت آن حضرت می شدند و بسیاری نیز بدان سبب مسلمان گردیدند و غیر از ایشان افرادی از جمله: حضرت علی (علیه السلام)، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و ابی بن کعب، قرآن را با صدای خوب می خواندند (الکلبینی، کافی، ۱۳۷۵: ۶/ ۴۲۹). از میان صحابه پیامبر ﷺ «عبدالله بن مسعود» و «ابوموسی اشعری» نیز از صدای زیبا و تلاوت آهنگین برخوردار بودند.

با توجه به موضوعات مطرح شده و اثبات تاریخی و سیره پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) در به کارگیری صوت و لحن در قرآن، انتقال چنین مفاهیمی بدون توجه به معانی آن و استخدام مناسب زیر و بمی صدا و تکیه های صوتی لازم، موجب یکنواختی در حالت بیانی صدا و به تبع آن کاهش تأثیر لازم بر مخاطب می گردد. یکی از جلوه های آوایی که در تعیین معنا و انتقال آن به مخاطب نقش قابل توجهی دارد، آهنگ گفتار گوینده کلام می باشد که در متون آواشناسی تحت عنوان آهنگ از آن یاد شده است.

تنوع آهنگ های گفتاری (intonation tones) مبحثی است صوتی که پیرامون خیزش صوت و آفت آن و نیز مستقیم بودن آن صحبت می کند و به صورت نسبی می تواند در ابراز معانی مورد نظر نقش داشته باشد. تغییر ارتفاع و زیر و بمی صوت را در ادای جمله، در زبان عربی تنغیم و در زبان انگلیسی آهنگ (intonation) می گویند. این فراز و نشیب های آوایی و تغییر آهنگ که در پی موقعیت کلام صورت می گیرد، از دلالت معنایی تهی نیست و جهت بیان مقصودی خاص ادا شده و می تواند در تغییر معنای جملات موثر باشد تا جایی که معانی متفاوتی از یک سخن فهمیده می شود. آهنگ در گفتار به این معناست که تغییراتی به طور متناوب در صوت اتفاق می افتد که گاهی صوت از زیر به بم و گاهی از بم به زیر منتقل می شود. این زیر و بمی های متناوب صوت، باعث ایجاد آهنگی در گفتار می گردد که معانی را رساتر به گوش مخاطب می رساند. تمام این آفت و خیزهای صوتی تابع حالت های گوینده است که با چه احساسی سخن می گوید (شکیب انصاری، رابطه معنانشناسی با آواشناسی، ۱۳۹۲: ۹۳). در واقع آهنگ وسیله تجلی احساسات و عواطف گوینده است. از همین آهنگ است که با تنظیم میزان بالا و پایین رفتن آن می توان گفتار همراه با رضایت، استفهام، شک، یقین، نفی، اثبات، ناامیدی، خشم، آرزو، هیجان، بی توجهی، شگفتی و ... را تشخیص داد (فرشید ورد، دستور مفصل امروز بر پایه زبان شناسی جدید، ۱۳۸۲: ۹۳).

به این ترتیب آهنگ جملات خبری، پرسشی، عاطفی، تعجیبی و امری که احساسات متفاوت را نشان می‌دهد، با یکدیگر تفاوت دارد و به وسیله تنگیم و آهنگ گفتار است که از یکدیگر متمایز می‌شود. نکته قابل توجه در بحث آهنگ کلام این است که حرکت‌های بدن و حالت چهره هنگام بیان جملات می‌تواند همراه با آهنگ کلام، مخاطب را در درک مقصودش یاری کند؛ مثل جایی که باز کردن خطوط چهره یا در هم کشیدن آن‌ها به یاری آهنگ کلام، به مخاطب می‌فهماند که گوینده قصد بیان بخشندگی او را دارد یا منظورش بیان ابراز خشم و ناراحتی اوست (زرکوب و خاقانی، کارکرد واحدهای زنجیری و زبر زنجیری در زبان عربی، ۱۳۹۲: ۸۳). زیرا هر کدام از موضوعات متنوع و تعبیرات گوناگون مطرح شده در قرآن با مقام و نغمه خاصی تناسب دارند، آهنگ صحنه فراق تا وصال، غم تا شادی و جنگ تا صلح از یکدیگر متمایزند و همان گونه که در صنعت فیلم سازی رعایت مطابقت موسیقی با صحنه‌های متنوع فیلم ضروری است، تلاوت قرآن نیز نیازمند طراحی صوت و لحنی متناسب با آیات می‌باشد.

موسیقی تلاوت باید از درون خود متن برخیزد. اگر موسیقی تلاوت روحش را از خود متن دریافت نکند ممکن است به بازیچه‌ای برای خود نمایی در جهت انتقال اطلاعات و یا ابزاری برای کسب ارزش شود. به عنوان نمونه قاریان زیادی به این موضوع توجه داشته‌اند، از جمله می‌توان به شیخ محمد رفعت اشاره کرد. ایشان توجه به مفهوم و معنا در تلاوت را به دقت رعایت می‌کرد و تصویرسازی از مفاهیم آیات را با ارتباط لفظ و معنا انجام می‌داد و برای اثرگذاری و فهم معنا صدای خود را متناسب با فضای آیات هماهنگ می‌نمود به گونه‌ای خشوع و قدرت و اثرگذاری بر شنونده را یک جا جمع کرده بود بنابراین صوت قوی با صوت خاشعانه و سوز او را هماهنگ با معنای آیات مشاهده می‌کنیم.

نتیجه

۱. در صدر اسلام و زمان پیامبر تاکید آن حضرت بر تلاوت با صدای زیبا و روش عملی ایشان، مهم‌ترین انگیزه در تلاوت قرآن و اعجاز بیانی و خاصیت آهنگ پذیری این کتاب وحیانی بود. علاوه بر آن توصیه‌های مؤکد به تلاوت زیبای قرآن و تغنی آن از سوی رهبران الهی، نیز گواه توجه بزرگان به تلاوت می‌باشد.

۲. با توجه به روایات، قرائت قرآن با صوت و لحن زیبا و ترجع حلال و به شرط برخورداری از شرایط لازم (بالاخص تدبیر در آیات) ممدوح و مورد رضایت حضرت حق، رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد. این نوع تغنی در قرآن مطابق با اصول شرعی است که از قاریان قدیم به ما منتقل شده است.

۳. تلاوت تنغیمی به عنوان یکی از انواع تلاوت پذیرفته شده در بین قاریان می‌باشد که قاریان در تلاوت‌های خود به آن توجه دارند. در این نوع تلاوت علاوه بر بهره‌گیری از نغمه‌های مختلف موسیقی و لحن‌ها، توجه به اداء الحروف، وقف و ابتدا و هم‌چنین رعایت دیگر شرایط و اصول تلاوت مورد توجه است که مصریان در این نوع تلاوت پیشگام هستند و از آن جا که این شیوه، توسط مصریان ابداع شد، به آن تلاوت مصریّه نیز می‌گویند.

۴. در تلاوت غنا دو وجه غنای حلال و غنای حرام وجود دارد. غنای حرام آن است که مناسب مجالس لهو و لعب باشد و اشاره لغو و بیهوده، در آن به کار رود و غنای حلال آن است که شرایط غنای حرام را نداشته بلکه به وسیله آن، انسان به کمال برسد. بنابراین تلاوت تنغیمی با رعایت اصول و شرایط آن به عنوان یک اصل در موضوع تلاوت نزد بزرگان صوت و لحن پذیرفته شده است و مشروعیت آن مورد تأیید و توجه قاریان و اهل فن قرار گرفته است، و آنچه که در اسلام حرام است، نوع خاصی از موسیقی است که غنا باشد.

۵. ترجع صوتی یکی از موضوعات مورد بحث در تلاوت می‌باشد که در واقع بازگرداندن صدا به حلق یا چرخش صدا در حلق و به اصطلاح تحریر زدن می‌باشد. بر اساس احادیث و روایات مهم‌ترین شرایط ترجع صوتی را می‌توان در موارد زیر دانست: قرآن باید به لحن عربی خوانده شود، در قرائت نباید از الحان غیرعربی (عجمی) استفاده کرد و هم‌چنین از روش‌های غیر عربی؛ مانند نوحه‌گری و روش‌های آوازی رهبان‌ها باید خودداری نمود. از الحان قاریان اهل معصیت باید احتراز نمود. و قاری نباید قرآن را با ترجع غنا بخواند. و در پایان قاری باید از قرآن علاوه بر قرائت ظاهری، استفاده باطنی نمود.

۶. قابلیت درک فهم آیات از طریق سماع، بیش از فهم آن از طریق قرائت عادی متن است. و شفاف سازی معنا و نیروی تأثیرگذار موسیقی دو دلیل برای پذیرش هنر آهنگین و آوایی در قرائت قرآن است.

۷. تلاوت قرآن با بستر مقامات موسیقی عربی، یکی از مهم‌ترین عوامل در حفظ میراث مقامی موسیقی عربی بوده است. با به کارگیری آهنگ گفتاری متناسب با موقعیت کلام (بلاغت) از یک سو می‌توان افکار و عواطف خود را به دیگران منتقل نمود و از سویی دیگر شیوه بیان مناسب می‌تواند مخاطب را در درک و فهم بهتر یاری کند، لذا هر کدام از موضوعات متنوع و تعبیرات گوناگون مطرح شده در قرآن با مقام و نغمه خاصی تناسب دارند. که نتیجه آن در عصر حاضر گرایش شمار زیادی از غیر مسلمانان به دین اسلام شده است.

منابع

۱. ابن جزری، شمس الدین محمد بن محمد، «النشر فی قراءات العشر» (۱)، تحقیق الصبّاع، علی محمد، القاهرة: مکتبه التجارة الكبرى، ۱۳۴۵ق.
۲. ابن قتیبه، ابی محمد عبدالله بن مسلم، «المعارف»، قاهره: دارالمعارف، ۱۱۱۹م.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، «المحکم و المحيط الاعظم»، تحقیق هندای، عبدالحمید، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۴. احمد آبادی، علی، طنین اعجاز، مشهد: آیین تربیت، ۱۳۷۸ش.
۵. أنیس، ابراهیم، «فی اللهجات العربیة»، الطبعة الثالثة، قاهره: مکتبه الانجلو المصریة، ۲۰۰۳م.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة»، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۵ش.
۷. زر کوب، منصوره؛ خاقانی، محمد؛ جاویدی، مریم. «کارکرد واحدهای زنجیری و زبر زنجیری در زبان عربی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش.
۸. سخاوی، ابو الحسن علی بن محمد، «جمال القراء و کمال الأقرء»، چاپ اول، تحقیق دکتر علی حسین بواب، مکه: مکتبه التراث، ۱۴۰۸ق.
۹. سعید، لیب، «التغنی بالقرآن»، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۷۰م.

۱۰. شاکر، محمد کاظم، «وقف و ابتدا در قرائت قرآن کریم»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۱۱. شاه میوه اصفهانی، غلامرضا، هنر تلاوت، اصفهان: بوستان فدک، ۱۳۸۲ش.
۱۲. شکیب انصاری، محمود- دغاغله، مهدی، «رابطه معنا شناسی با آوا شناسی»، دو فصلنامه قرائت پژوهی سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش.
۱۳. الطبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان»، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
۱۴. عترتی، علی، نغمه های آسمانی، تهران: عابد، ۱۳۸۴ش.
۱۵. فرشید ورد، خسرو، «دستور مفصل امروز بر پایه زبان شناسی جدید»، تهران: سخن، ۱۳۸۲ش.
۱۶. الفیروزآبادی، «القاموس المحيط»، به کوشش مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.
۱۷. قاسم احمدی، مریم، نگاهی به زندگانی قاریان مشهور قرآن کریم، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، ترجمه: عباس حاجیانی دشتی، قم: موعود اسلام، ۱۳۹۰ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۳ق.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، «ترجمه قرآن کریم»، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۲۲. مهدی تهرانی، ابراهیم میرزا، «مبانی موسیقی قرائت قرآن»، تهران: رازی، ۱۳۷۴ش.
۲۳. میرزایی، سید امین، «الزمن الجمیل: تاریخ تحلیلی پیدایش فن تلاوت در مصر»، اصفهان: مهر قائم، ۱۳۸۸ش.
۲۴. النراقی، احمد، «مستند الشیعه»، قم: آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.
۲۵. نلسون، کریستینا، «هنر قرائت قرآن»، ترجمه: ستوده‌نیا، محمد رضا، جان نشاری، زهرا، بی‌جا: زمان نو، ۱۳۹۰ش.
۲۶. یوسف ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن، «النجوم الزاهرة فی ملوک المصر والقاهرة»، مصر: وزارة الثقافة، ۱۳۸۳ق.
۲۷. یوسفی مقدم، محمدصادق، «فقه قرائت: فقه ادا و فقه موسیقی»، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶ش.